

زن و کلیشه های جنسیتی ضد زن در سیستم ایران



(کیوان) اکو رحیمی

اگر کمی به قبل تا دوران کودکی، نوجوانی و در کل دوران تحصیلات مدرسه، برگردیم و نگاه کوتاهی به اولین کلاسهای آموزشی دوران دبستان در ایران بیندازیم، اولین جملاتی که در ذهن مان نقش بسته و حک شده «بابا... نان... داد»، «بابا... آب... داد» و «آن... مرد... سوار... براسب... درباران... آمد» و...، از جمله آموزشهایی بود که باورهای کاذب را در افکار یک نسل، به جای گذاشته است. بدین معنی که در اولین آموخته های دوران کودکی مان این تبعیض جنسیتی، نقش پدر (یا همان منبع مادی و نان آور) و مادر (یا همان سنبل عاطفه و مهربانی) در خانواده و در مقیاس بالاتر، زن و مرد در جامعه را می توان لمس کرد. البته شاید در طول این سالها تغییرات و بازنگریهایی بر این کتابها شده، اما کلیشه های جنسیتی، همچنان در آثار باقی مانده از گذشته، نمایان است. این کلیشه ها در همان اوایل کودکی نقش زن و مرد را ابتدا در خانواده و بعضاً در اجتماع به حافظه زود آموز کودک تزریق می کند و بر اساس احکام شرعی و کلام خدا (دینی و ضمیمه و قرآن که سرنوشت سازترین درسهای نه فقط دوران دبستان بلکه کل دوران تحصیل در ایران، به حساب می آیند) که همان هنجار جامعه است و سرپیچی از آن به معنای رودررویی با مقدسات تلقی می شود، موانع مهیب و هولناکی کودک را در یک دنیای ناپیدا که هر تفکر و عملی باید در راستای تخیلات واهی و کاذب این شریعت باشد، احاطه می کند. مقدساتی که فرد را به چالش می گیرد و امر به زندگی گله وار می کند. کودک یا دختر و پسر در همان آغازین روزهای یادگیری در مدرسه، هر کدام بر اساس جنسیتی که دارند، اتوماتیک وار در جایگاه بی انصافانه خود در اجتماع (که البته زنان ضرر بیشتری می برند) قرار می گیرند و آموخته ها، در قالب زدن به نقشهای جنسیتی، که زن و مرد متفاوت و نابرابرند، را متأسفانه به آسانی نمی شود از یاد برد.

مدرسه و محیطهای آموزشی نه جدا و منفرد از جامعه نیست، بلکه در همه ادوار زمانی عامل انتقال ارزشها و قواعد اجتماعی دوران و جامعه، به کودک بوده و هست. قوانین و کتابهای تبعیض آموز و تبعیض آمیز دوره های آموزش در مدارس، نه تنها در متون بلکه در نقشهای پسرانه دخترانه یا مردانه زنانه الگوهای تصویری هم به چشم می خورد، بدین معنی که نقشهای دختران و زنان تنوع کمتر و محدودیت بیشتر، و برای الگوپذیری امکان محدودتری دارند و در مثل ها و موضوعات، گزینش آموزشی در خدمت امتیاز بیشتر به پسرها و مردان است.

آموزش و پرورش و در کل مدارس، کودک را از سنین طفولیت در اختیار دارد و در تمام سالهایی که از هر مقطع سنی آسیب پذیرتر است هم از سوی سیستم دولتی و ایدئولوژیک مدرسه و هم در چهارچوب سنتی اکثر خانواده های ایرانی، به او در کودکی و در ادامه، نوجوانی و جوانی، فشار وارد می کنند. می بینیم که اکثر دختران و زنان ایرانی زمانی که از سلطه فکری این نهاد (آموزش و پرورش) در می آیند و وارد روابط اجتماعی و کاری میشوند،

همیشه سعی دارند به اعتراض از سنت‌های تبعیض‌گرای جامعه، در مقابل سیستم حاکم و حتی خانواده بایستند و مطالبه حقوق برابر کنند، و می‌بینیم که در این اعتراضها نه از زندان و آزار و اذیت بلکه از دادن جان و زندگی هم هراسی ندارند. خوشبختانه به‌طور وسیعی حتی در مدارس و دانشگاهها صدای رسای آنان را روزانه می‌شنویم.

تاریخچه کوتاهی از ۸ مارس

در هشتمین روز ماه مارس سال ۱۸۵۷ زنان کارگر کارخانجات نخ ریسی شهر شیکاگو در اعتراض به شرایط نامناسب و غیرانسانی کار به خیابان‌ها ریختند. خواسته‌های آن‌ها روزی ۱۰ ساعت کار، دستمزدهای عادلانه‌تر و حق رأی برای زنان بود، پلیس با حمله‌ی وحشیانه به صفوف معترضین بسیاری را زخمی کرد و گویا این تظاهرات چندین کشته نیز بر جای گذاشت. اکنون نیم قرن از این جریان گذشت و در سال ۱۹۰۸ حزب سوسیالیست آمریکا طی بیانیه‌ای اعلام کرد که در دو سال یک روز به اعتراضات زنان برای کسب حق رأی اختصاص یابد و در ۸ مارس همان سال زنان (عمدتاً) کارگر آمریکایی به یاد ۸ مارس ۱۸۵۷ به راهپیمایی در خیابان‌ها پرداختند که این بار نیز زنان معترض با پلیس مسلح مواجه شدند، زنان کارگر آمریکا سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۳ هر سال آخرین یکشنبه فوریه را به اعتراض برای به دست آوردن حق رأی و شرایط کاری مناسب‌تر دست زدند.

در سال ۱۹۱۰ کسی که در مبارزات زنان در آمریکا نقش مؤثری داشت خانم لئویس زیئتز نماینده حزب سوسیالیست آمریکا در کنفرانسی که در کپنهاگ دانمارک برگزار می‌شد و در آن ۱۰۰ زن مبارز از ۱۷ کشور حضور داشتند پیشنهاد اینکه یک روز در سال به عنوان روز جهانی زن (با محوریت موضوع حق رأی) نامیده شود و زنان سراسر جهان در آن روز به راهپیمایی و تظاهرات بپردازند، را مطرح ساخت، که کلارا زتکسین عضو حزب سوسیال دموکرات آلمان این جریان را پیگیری نمود.

این پیشنهاد در سال ۱۹۱۱ در کنگره دوم زنان سوسیالیست پذیرفته شد، البته روز خاصی برای این امر در نظر گرفته نشد. در سال ۱۹۱۱ در روز ۱۹ مارس، اولین روز جهانی آزادی زنان در آلمان، اتریش، دانمارک و سوئیس برگزار شد. چراکه در ۱۹ مارس ۱۸۴۸ پادشاه پروس در پی بحران آن سال و تحت فشار بودن وی، مجبور شده بود قول حق رأی را به زنان بدهد که البته با سپری شدن بحران طبیعتاً عملی نشد!

خواسته‌های معترضان در تظاهرات ۱۹ مارس سال ۱۹۱۱ که کمابیش در تمام کشورها مراسم برگزار کردند حول محور کسب حق رأی، تحصیلات و آموزش برابر، از میان برداشته شدن تبعیض شغلی، وجود دستمزدهای برابر و... بود. جلسات و تظاهرات در همه این کشورها به طوری که، در اتریش حتی در بسیاری از روستاها نیز برگزار شد، در اتریش تظاهرات عظیمی با شرکت ۳۰۰۰۰ نفر برگزار کردند، حتی به درگیری با پلیس نیز انجامید و تنها با دخالت نمایندگان سوسیالیست پارلمان بود که از خونریزی جلوگیری شد. اولین روز آزادی زنان در روسیه در سال ۱۹۱۳ و روز ۸ مارس به تقویم اروپایی که معادل ۲۳ فوریه به تقویم روسیه (تقویم ژولیوسی) برگزار شد، که حزب برشوئیک به تبلیغات گسترده‌ای برای برگزاری این مراسم

دست زده بود، در سال ۱۹۱۴ زنان برشویک مجله‌ای تحت عنوان «زن کارگر» را منتشر نمودند، که تمامی اعضای هیأت تحریریه آن قبل از روز جهانی آزادی زنان همگی به غیر از یک نفر دستگیر شدند در سال‌های بعدی اولین جنگ جهانی یعنی سال‌های ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ علی‌رغم تلاش‌های زنان کارگر بسیاری از کشورها از جمله روسیه مراسمی برگزار نشد در سال ۱۹۱۵ روز جهانی آزادی زن تنها در نروژ برگزار شد.

اما روز جهانی آزادی زنان سرانجام هنگامی رسماً به تاریخ پیوست که در سال ۱۹۱۷ (سال انقلاب فوریه روسیه) هنگامی که ۲ میلیون سرباز روس در خلال جنگ، جان باخته بودند و گرسنگی و کمبود سوخت همگان را به ستوه آورده بود، زنان عمدتاً کارگر، که همگی از طبقات محروم جامعه بودند، در تاریخ ۲۲ فوریه (به تقویم ژولیوسی که معادل ۸ مارس تقویم گریگوری می‌باشد) به دعوت کمیته پیشرو گرای حزب برشویک به خیابان‌ها ریختند و در واقع اولین روز انقلاب فوریه نیز مصادف با ۸ مارس بود. کارگران نیز با اعتصاب از زنان مبارز حمایت نمودند و اعتصاب سیاسی به تظاهرات سیاسی گسترده‌ای علیه رژیم تزاری تبدیل شد که به سرنگونی آن انجامید و جرقه آن با تظاهرات زنان (از آن پس) در روز جهانی آزادی زنان زده شده بود. روز ۸ مارس تا سال‌های بسیار، تنها در تقویم کشورهای سوسیالیستی به رسمیت شناخته شده بود اما با ظهور موج دوم فمینیسم در کشورهای اروپایی و آمریکایی نیز این روز به رسمیت شناخته شد. و در سال ۱۹۷۷ سازمان ملل متحد ۸ مارس را رسماً روز جهانی زن نام گذاری کرد.

اعتراضهای زنان در ایران و پیامدهای آن

اوج ظهور اعتراضها و جنبش رادیکال زنان، سالهای ۷۹-۱۳۷۸ بود که مراسمهای ۸ مارس را به خیابانها کشانده و بدون داشتن مجوز، فریاد و خواسته های خود را به تجمع در پارکها، خیابانها و سالنها، علنی کردند. بدون اینکه از هیچ مانعی هراسی داشته باشند، ثابت کردند که می شود تجمع های اعتراضی را به رژیم تحمیل کرد. (البته که در این راه مردان هم دوش به دوش زنان، همراه و هم صدا بوده و هستند).

شعار های متداول "آزادی و برابری"، "زننده باد سوسیالیسم"، "دانشگاه پادگان نیست" و ... از شعار های خطرناکی بودند که سر را به باد می داد، ولی مگر کسی فکر جان بود؟

در طول این سالها تشکلهای بسیاری ایجاد شد، تجمع های مداوم و مکرر برگزار کردند پس از هر کدام از این تجمع ها، بسیاری اعدام شدند یا به زندان رفتند. آزاد شدند و دوباره ادامه دادند، و این جنبش، هرگز بی صدا نشد و چه بسا که بر دوام و رشد آن افزوده شد. پرستاران و معلمان و صنف ها و گروه های مختلف با راه انداختن اعتصاب و تظاهرات بر این رژیم فشار آوردند. همین فضاها اعتراضی از یک سو، اذهان جهانی را آگاه از اوضاع داخلی در ایران کرد و از سوی دیگر باعث پیشروی های مثبت در جامعه ایران و عقب نشینی های زیادی به رژیم شد.

در ایران و قانون اساسی ایران، زن فرد مستقلی نیست بلکه او متعلق به مرد و ملک مرد بوده و با اجازه مرد است که حق زندگی، کار و یا انتخاب شغل و معاشرت را دارد. این ضد زن بودن قوانین اسلامی و عدم برخورداری از خواسته های به حق زن در ایران، دیگر بر کسی

پوشیده نیست. نفس حقوق زن در ایران زیر سؤال است و سی سال است نقض میشود. قانون اساسی اسلامی حاضر، حاصل یک ميثت آيه های فسيل شده ۱۴۰۰ سال قبل است که سی سال است زنان را چندین برابر در مقایسه با بیشتر ملت‌های دیگر به جنس پست تر و حقیر تر متزلزل کرده است. آزادسازی زنان از سلطه‌ی مردانه، از اولیت‌های یک جامعه است که متأسفانه به سبب اسلام ۱۰۰٪ سیاسی سیستم حاکم در ایران، به هیچ وجه در افکار عصر حجری آنان جای نمی‌گیرد.

زنان باید آزاد باشند تا بتوانند کار کنند انتخاب کنند و زندگی‌شان را خودشان بسازند، نه اینکه محبوس کار خانگی باشند و یا در مشاغل آزاد یا دولتی، همیشه مهر زن بودن بر پیشانی‌شان نمایان و سدّ و مانع او در پیشرفت و دخالت در تصمیم‌گیری‌های شخصی خودش باشد. زنان حق دارند از آموزش بدون محدودیت برخوردار شوند و در حیات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه نقش آفرین باشند به هر صورتی که خود برمی‌گزینند. امروزه این نکات در کشورهای پیشرفته به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است اما در بیشتر کشورهای اسلامی این حقوق نفی می‌شود و این فرهنگ، بیشتر جوامع مسلمان است که باید ریشه کن شود. احقاق حقوق زنان البته مستلزم آن است که آزاد باشد تا با هر کس که می‌خواهد زندگی مشترکی داشته باشد. زنان باید از همان آزادی و مسئولیت‌هایی برخوردار شوند که مردان برخوردارند.

باید حقوق پامال شده زن به عنوان یک انسان به او باز گرداننده شود. قبل از این که زن خود بخواهد حقش را از جامعه بگیرد. بدین معنی که جامعه مردان هم باید در این بازسازی فرهنگی و تلاش در سرعت بخشیدن به آن، دوشادوش زنان، موانع و سدّ‌های مذهبی و سنتی را برداشته و یا به حداقل برسانند.

مظلومیت زن در جامعه ایران بر همه آشکار است و هیچ کس نمی‌تواند منکر آن شود. اما باید از ادامه این روند با زیرکی جلوگیری کرد. باید حقوق و جایگاه انسانی زن، به او بازگردد و این افکار منفی بیشتر از این مانع رشد تفکر آزادی زن نشود. همانطور که امروزه همه به شعار آزادی مرد و حقوق مرد می‌خندند. باید طوری به جایگاه واقعی زن اندیشید که او هرگز اسارتی حس نکند تا در پی آزادی باشد، حقارتی حس نکند تا در پی برابری باشد.

.....
پای احساس مرا باز کنید
لحظه‌ای از قفس آزاد کنید

بگذارید که پرواز کنم
نفسی گیرم و آغاز کنم

آسمان بینم و یک اوج بلند
بزنم بال و شوم قدرتمند

باغ احساس مرا آب دهید
دسته‌ای از گل‌گلاب دهید

تا به کی رنج نهان غصه و غم
وحشت و حسرت و بیزاری و غم

کنج آلونک و یک مشت دروغ
بیخبر از در و دنیای شلوغ

کور و کر جاهل و نادان باشم
باعث رونق کاشانه مردان باشم

علم و تحصیل مرا چون ننگی
کار و دانش به سرم چون سنگی

حق آزادی و کوشش ممنوع
گلشن تازه و رویش ممنوع

تا به کی روح مرا می پالید
تا به کی جسم مرا میخواستید

تا به کی صحبت نادانی من
قصه دین و کم ایمانی من

بگذارید کمی شاد شوم
نالاه انی بودم و فریاد شوم

در گلستان ادب بار دهم
دست یاری به تو ای یار دهم

گوش کن ای پسرم ، پاره تن
یا توای محرم من همسر من

میشود مقصد و مقصود مرا
گر تو همراه شوی زود مرا

روز و شب جهد کنم بهر وطن
تا کشم روی به دامان کفن

گر تو خواهی وطنت آبادان
زنده گردد گل تو در گلدان

پای احساس مرا باز کنید
لحظه انی از قفس آزاد کنید
منبع شعر: وبلاگ فریادی در سکوت

۸ مارس، روز جهانی زن بر همهٔ زنان دنیا مبارک باد

نویسندهٔ مطلب: آکو رحیمی (کیوان)

06.03.2010

Weblog: www.komalam.blogfa.com

Email: mr_akoo@yahoo.com

